

بلدیه تبریز، گذر از محله گرایی به هویت شهری

عباس قدیمی قیداری^۱

مرتضی شهسواری^۲

چکیده

تصویب قانون بلدیه و تشکیل آن در برخی از شهرهای ایران، یکی از آگاهانه ترین اقداماتی بود که از سوی نمایندگان مجلس اول و نیروهای مشروطه خواه، در زمینه‌ی تحقق مشارکت اجتماعی شهروندان جهت نقش آفرینی در امور شهری و مدنی و تجلی اراده و هویت اهالی شهر، انجام گرفت. از آنجایی که شهر تبریز در تشکیل نهادهای مدنی؛ از قبیل «انجمن ایالتی» و «انجمن بلدیه» از جایگاه مهمی در تاریخ مشروطه برخوردار است، در پژوهش حاضر سعی شده عملکرد «بلدیه تبریز» و میزان موفقیت آن در تحقق اهداف مدنی این نهاد، مخصوصاً موانع و مشکلات پیش روی آن در زمینه‌ی افزایش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در برنامه‌های مدیریت شهری و تحقق و شکل‌گیری هویت و علائق جمعی و کم رنگ شدن بحث محله گرایی با روشی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، روزنامه‌ها و اسناد آرشیوی مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هر چند بلدیه‌ی تبریز به خاطر درگیری با مسائل و مشکلات عدیده‌ی فراوان، از دست یابی به بسیاری از اهداف خود بازماند، منتهی از نحوه‌ی بیان و طرح مطالب اجتماعی در روزنامه‌های محلی می‌توان فهمید که بلدیه در کنار دیگر نهادهای مدنی برآمده از دل مشروطه، از قبیل انجمن ایالتی، توانست با انجام برخی اقدامات اجتماعی و فرهنگی، موجبات افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حق و حقوق شهروندی خود را فراهم آورد، و با تأکید بر اهمیت مشارکت اجتماعی شهروندان در برنامه‌های شهری و انتخاب مدیران خود، در گذر جامعه‌ی شهری تبریز از مرحله‌ی محله گرایی به شکل‌گیری هویت شهری، نقش مهم و مؤثری را ایفا نماید.

واژه‌های کلیدی: بلدیه، نهاد مدنی، مشارکت اجتماعی، مدیریت شهری، هویت شهری، محله گرایی، مشروطه، قاجار.

Tabriz municipality, passing from Localization into city identification

Abbas ghadimi gheidari¹

Morteza shahsavari²

Abstract

The approval of the Legislation of municipality and its formation in some cities of Iran was one of the most consciously done actions which was taken place on the behalf of the first congress representatives and constitutional supporters for the fulfillment of social contribution of citizens for role creating in urban affairs and the manifestation of willingness and identity of people of city. Since Tabriz city enjoyed an important position over the constitutional history in the formation of civil institutions such as state council and city council. In this research, we have tried to analyze the function of Tabriz municipality and the level of its success in the fulfillment of civil goals of this institution specially facing the barriers and problems in the field of increasing the amount of social involvement of citizens in the programs of city management and fulfillment and formation of identity and mass interests and the loss of the importance of Localization discussion by using the analytic – descriptive method and by using library sources, newspapers and archive documents. The findings of this research show that Tabriz municipality failed to achieve most of its goals because of its challenge with so many extreme problems and issues. But it can be understood from the way of expressing and presenting social issues in local newspapers that the municipality along with other civil institutions created from the heart of constitution such as state council which could provide the ground of increasing the awareness of citizens toward the rights of their own citizenship by doing some cultural and social actions. By putting emphasis on the importance of social involvement of citizens in city affairs and selecting its own managers in passing Tabriz urban community from the stage of Localization into the formation of city identity, it played an important and effective role.

Key words: municipality, Civil institution, Social involvement, Urban management, City identity, Localization, Constitutional, ghajar.

1 - Associate professor of history department of Tabriz University . Ghadimi@tabriz.ac.ir

2 - PH.D Student of Iran's history after Islam, Tabriz University . Morteza1351@yahoo.com

مقدمه

تمرکزگرایی و عدم مشارکت شهرنشینان در اداره‌ی امور شهرها، دو مشخصه‌ی بارز در مدیریت شهرهای ایران قبل از انقلاب مشروطه بود. مدیران شهری اعم از کلانتر، محتسب و کدخدای محلات توسط حاکمانی تعیین می‌شدند که خود آنها هم گماشته‌ی مستقیم دولت مرکزی بودند. ساکنین شهرها نه تنها نقشی در انتخاب مدیران شهری نداشتند، بلکه به دلیل عدم برخورداری از حق و حقوق شهروندی و عدم امکان مشارکت در سرنوشت شهر خود، هنوز به مرحله‌ی شهروندی نرسیده بودند. به طوری که مسئولین شهرها هیچ گونه احساس مسئولیتی در قبال شهرنشینان نداشتند و مهمترین وظیفه‌ی مردم شهرها نیز اطاعت از اوامر مسئولین و پرداخت به موقع مالیات بود.

در تمام طول این دوره، در نبود نهادهای مدنی در شهرها، مدیریت محله‌ای، ساز و کاری مناسب برای رفع نیازهای عمومی اهالی محله و واسطه‌ی ارتباط بین آنها و حکومت شهری بود. بنابراین شهرهای ایران در این دوره هنوز وارد مرحله‌ی پیشرفته‌ی زندگی شهری یا شهروندمداری نشده بودند و به عبارتی هویت شهری هنوز شکل نگرفته بود و هویت محله‌ای، مشخص کننده‌ی هویت اهالی یک شهر محسوب می‌شد. تبریز عصر قاجار نیز به عنوان شهر ولیعهد نشین و دارالسلطنه از این قاعده مستثنی نبود، و شهر به محلات مختلفی تقسیم شده بود که هر کدام دارای هویت مستقل از سایر محلات بودند. بدین ترتیب، در یک چنین ساختار مدیریتی جایی برای نهادهای مدنی غیر رسمی و خودفرمان تعریف نشده بود.

اما انقلاب مشروطه، با وجود همه‌ی ناکامی‌های خود در رسیدن به اهداف اصلی اش، با زمینه سازی جهت شکل‌گیری نهادهای جدید مدنی از قبیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های بلدیه در شهرها و قانونی کردن این نهادها، الگوی جدیدی از مدیریت شهری را در شهرهای ایران برقرار ساخت، که مشارکت اجتماعی اهالی شهر در تصمیم‌گیری‌های شهری و به عبارتی «مدیریت مشارکتی» و انتخابی شدن مدیران شهری از سوی شهروندان، از مشخصات بارز آن گردید.

یکی از شهرهایی که پس از مشروطه، در تشکیل نهادهای مدنی پیشگام گردید، تبریز بود. بلدیة تبریز از نخستین ادارات بلدیة‌ای بود که در کشور تأسیس شد و توانست در طول حیات خود، با وجود مشکلات بی شمار ناشی از یازده ماه دوران مقاومت این شهر در برابر نیروهای دولتی و طرفداران استبداد، خدمات مهمی را در زمینه‌های مختلف بازسازی خرابی‌های مربوط به جنگ، امور مربوط به نظیفات، بهداشت، زیبا سازی شهر، ساختن راه‌ها، کمک به نشر معارف و ... انجام دهد. ولی، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که این نهاد مدنی، در زمینه‌ی افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در برنامه‌های شهری و نیز رشد احساس آگاهی نسبت به مسئولیت شهروندی خود، چقدر موفق عمل کرد؟ و آیا توانست زمینه‌های گذار از محله گرایی به هویت شهری را در تبریز فراهم آورد؟

شاید بتوان گفت که تنها کار مستقلی که در خصوص بلدیة تبریز به صورت علمی صورت گرفته، مقاله‌ی «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیة تبریز» است که از پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد محمد بی طرفان به راهنمایی حجت فلاح توتکار استخراج شده است. هر چند رضا مختاری اصفهانی نیز در کار پژوهشی ارزشمندی که با عنوان «بلدیة مشروطه خواهی در ایران» انجام داده، و در کتاب انقلاب مشروطه‌ی ایران به ویراستاری هوشنگ ا. شهبابی و ونسا مارتین به چاپ رسیده، ضمن بررسی شکل‌گیری بلدیة‌ها از اواخر سده‌ی نوزدهم تا انقلاب مشروطه، اشارات مفیدی نیز به بلدیة تبریز و برخی عملکردهای آن نموده که مطالب آن در پژوهش حاضر، راهنمای نویسنده قرار گرفته است.

اما مهمترین مشکلی که در مسیر پژوهش حاضر وجود داشت، کمبود منابع و اسناد و عدم دست‌یابی به منبع اصلی کار؛ یعنی روزنامه‌ی «بلدیة» تبریز بود که در صورت دست‌یابی می‌توانست اطلاعات ارزشمندی را در خصوص عملکرد بلدیة تبریز و مسائل و مشکلات پیش روی آن در اختیار محقق قرار دهد و طبعاً مقاله‌ی حاضر را بسیار پر بارتر از وضعیت کنونی آن بنماید. ولی در هر حال، با وجود خلا اطلاعاتی شدیدی که در مسیر کار پژوهشی حاضر وجود داشت، تلاش شد با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مخصوصاً روزنامه‌های محلی تبریز عصر مشروطه و صورت مذاکرات مجلس اول شورای ملی و برخی اسناد، ضمن بررسی پیشینه‌ی مدیریت شهری در تبریز قبل از

مشروطه، چگونگی شکل‌گیری «بلدیه‌ی تبریز» و عملکرد آن و موانع و مشکلات موجود بر سر راه ایفای وظایف اصلی این نهاد مدنی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

محلات تبریز، عهده‌دار وظایف بلدیه

در اکثر شهرهای ایران قبل از مشروطه، شهر در قالب نظام محله‌ای عمل می‌کرد. هر شهر به محلات و زیر محلات چندی تقسیم شده بود. محلات، واحدهای اصلی روابط اجتماعی در شهرها بودند و بیش از هر واحد دیگر شهری همبستگی، یگانگی و همسانی مذهبی، قومی، خانوادگی، طبقاتی، اداری و حرفه‌ای داشتند. در واقع شهرهای ایران، مجموعه‌ای بودند از اجتماعات کوچک محله‌ای با تمام خصوصیات جامعه - شناختی یک Community که واحدی اجتماعی و جغرافیایی است (اشرف، ۱۳۵۳: ۴۱). شهرنشینان به محله‌ی خود وابسته بودند، نسبت به آن تعصب داشتند و می‌کوشیدند برایش هویتی خاص بیافرینند، تا از این راه محله‌ی خود را متمایز سازند و برتری آن را بر محله‌های دیگر نشان دهند (یزدانی، ۱۳۸۹: ۲۹). تبریز عصر قاجار نیز، به عنوان شهر ولیعهد نشین و دارالسلطنه، از این قاعده مستثنی نبود. این شهر متشکل از محلاتی چون: خیابان، مارالان، باغمیشه، ششگلان، سرخاب، دوه چی، نوبر، چرنداب، لیلاوا، امیرخیز، ویجویه، قره آغاج، چوست دوزان، اهراب، هکماوار، کوچه باغ، شنب غازان، راسته کوچه و یک محله‌ی ارمنی نشین به نام مهادمهین یا ارمنستان، بود (امیرخیزی، ۲۵۳۶: ۱۴۰). هر محله، امکانی مستقل از سایر محلات، از قبیل: مسجد، مدرسه، حمام، آب انبار، یخچال، قبرستان و ... داشت. برخی از این کوی‌ها یا همان محلات، جنبه‌ی طبقاتی کما بیش مشخصی داشتند. مثلاً کوی ششگلان، مکان زندگی اعیان و بزرگان بود. کوی نوبر تاجر نشین بود، در قره آغاج و لیلاوا پیشه‌وران و صنعتگران زندگی می‌کردند. بیشتر ساکنان هکماوار کشاورز یا کارگر مزد بگیر بودند. دوه چی بزرگ‌ترین کوی تبریز شمرده می‌شد، بسیاری از ساکنان آن با شغل‌های پست و کم درآمد روزگار می‌گذراندند. در عین حال، چند تاجر توانگر هم در این کوی زندگی می‌کردند. این ترکیب پیچیده در عصر مشروطه نتایجی به بار آورد (یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۴).

تا قبل از شکل‌گیری «بلدیه» به عنوان نهادی که وظیفه‌ی انجام امور خدماتی و

فرهنگی شهر را عهده دار شود، در تبریز رسم بر این بود که مردم، خود خدمات بلدی را در حدود وسعت محیط خویش و بر اساس وجدان شخصی و مطابق با معتقدات دینی و یا آداب و رسوم محلی، بدون مداخله‌ی حکومت و دولت انجام می‌دادند. این موضوع مثل غالب امور دیگر جنبه‌ی خودجوش و شخصی داشت؛ که نمونه‌ی بارز آن آب و جارو کردن و تمیز نمودن روزانه‌ی حریم خانه بود. البته در برخی از محلات، علما و روحانیون و معتمدین و متمولین در تمیزی و سایر امورات محله، نظارت و راهنمایی‌هایی می‌کردند و چه بسیار درگیری‌های خونینی که در مرزهای محلات در مورد اداره یا نظافت کوچه‌ها در می‌گرفت و از عوامل به وجود آمدن کینه و دشمنی بین اهالی محلات شهر می‌گردید (بی‌نام، «تاریخچه‌ی شهرداری تبریز»، <http://www.tabriz.ir>).

یکی از کارهای نیکو و پسندیده‌ای که در آن زمان به همت اهالی محله‌ی نویر انجام پذیرفت، سنگفرش نمودن کوچه و نصب چند عدد فانوس به دیوارهای کوچه، توسط اهالی بود که هر روز غروب روشن و شش ساعت از غروب گذشته خاموش می‌کردند، و دو نفر خادم (گذرچی)، برای تنظیف کوچه‌ی مزبور تعیین نموده و مخارجشان را هم از صاحبان ثروت و ساکنین آن محله تامین می‌کردند (همان). این چنین وضعیتی در زمانی در محلات شهر حکمفرما بود که حاکمیت قاجار و ولیعهد‌های او در آذربایجان، جز خوشگذرانی و غارت اموال مردم، هیچ گونه تعهد و مسئولیتی در قبال آنها احساس نمی‌کردند. از طرفی نیز، درگیری مردم در دسته بندی‌های شیخی و متشرعه و سایر اختلافات محله‌ای محلات رقیب، قدرت رویارویی با حاکمیت قاجار برای به دست آوردن امتیازات صنفی و سایر امکانات رفاهی را از مردم شهر گرفته بود. درگیری‌هایی که خود حاکمیت قاجار هم دستی در شعله ور نمودن آن داشت.

البته قرار گرفتن آذربایجان در مرکز تبادلات فرهنگی و تمدنی بین شرق و غرب (روسیه و اروپا)^۱ و برخورداری تبریز از پشتوانه‌های محکمی چون: سابقه‌ی بیش از یک قرن ظهور

۱ - در این خصوص رک: حسین محبوبی اردکانی، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۲۵۳۷؛ مونیکا رینگر، آموزش، دین و گفت‌وگو اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس، ۲۰۰۲؛ سید جواد طباطبایی، تاملی درباره ایران (ج ۲): نظریه حکومت قانون در ایران؛ بخش نخست: مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی، تهران: انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۵.

اندیشه‌های تجددخواهانه‌ی ایرانیان در این خطه از خاک کشور؛ بهره‌مندی از قابلیت و توانمندی مدیران و رهبران آزادی‌خواه، در کنار فهم و درک بالای سیاسی و فرهنگی مردم شهر باعث شد تا مردم تبریز زودتر از مردم سایر نواحی کشور، با الگوهای جدید مدیریت شهری از قبیل الگوی «دولت محلی» شهری مدرن و مدل‌هایی چون «رهبری جمعی»^۱ و مفاهیمی چون: شهروند و حق و حقوق و تکالیف شهروندان، آشنا شود و با قدم‌گذاران به میدان انقلاب مشروطه و فراهم آمدن زمینه‌های مشارکت اجتماعی برای مردم طبقات متوسط و فرودست جامعه، زودتر از مردم سایر شهرها به فکر ایجاد نهادهای جدید مدنی از قبیل: «انجمن ایالتی» و «بلدیه» بیافتند و با تشکیل این نهادها الگوهای مدیریتی شهری بی‌نظیری را در اداره‌ی امور شهر تبریز عصر مشروطه به نمایش گذارند.

تأسیس بلدیه‌ی تبریز

انجمن ایالتی تبریز پس از شکل‌گیری به عنوان اولین نهاد مدنی برآمده از دل مشروطه، قبل از این که قوانین مربوط به «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و یا «قانون بلدیه»، به تصویب نمایندگان مجلس برسد، کار مدیریت شهری تبریز و هدایت مشروطه‌خواهان را بر عهده گرفت و مخصوصاً در دور اول فعالیت خود که تا زمان به توپ بستن مجلس و برقراری استبداد صغیر به طول انجامید، توانست منشا خدمات بی‌نظیر و شگرفی گردد. از جمله اقداماتی که انجمن در این دوره از فعالیت خود به انجام آن همت گماشت، تلاش برای تأسیس نهادها و ادارات جدید منطبق بر اصول جدید مدیریت شهری، از قبیل: «بلدیه»، «عدلیه» و «نظمیه»، با هدف پاسخ‌گویی به خواسته‌های مشروطه‌خواهان و شهروندان و تثبیت و تقویت پایگاه اجتماعی و سیاسی مشروطه بود. تا بدین وسیله زمینه‌های خارج ساختن اداره‌ی امور را از دست نیروهای وابسته به ساختار اداری سنتی طرفدار

۱ - هر چند که در منابع مربوط به نظام مدیریت شهری در ایران، به صورت مشخصی به نوع نظام یا مدل مورد استفاده اشاره‌ای نشده منتهی از طریق بررسی نوع عملکرد انجمن ایالتی تبریز که در کنار نهادهایی چون بلدیه، مدیریت این شهر را بر عهده داشتند، و مقایسه‌ی آن با ویژگی‌ها و مشخصات الگوهای مدیریتی مورد اشاره در بالا می‌توان به شناخت و آگاهی رهبران مشروطه‌ی تبریز با الگوهای مدیریت شهری مدرن پی برد. در این خصوص رک: ژانت آفاری، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون، ۱۳۸۵؛ ناصر برک پور و ایرج اسدی، مدیریت و حکمروایی شهری، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۹۰؛ سیدمحمد مقیمی، اداره امور حکومت‌های محلی (مدیریت شوراهای و شهرداری‌ها)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.

شیوه‌های مدیریت تمرکز گرایانه فراهم آورد و امکان مشارکت نیروهای اجتماعی جدید در مدیریت شهری را نیز میسر سازد.

«بلدیه»، از جمله‌ی مهمترین اداراتی بود که اعضای انجمن ایالتی تبریز، از همان ماه‌های اولیه‌ی شروع به کار خود، شکل‌گیری آن را جهت سر و سامان دادن به امور شهری و رفع بسیاری از مسائل و مشکلات روزمره‌ی مردم، لازم دیده و جهت تأسیس آن، پیشنهادها و طرح‌هایی را در طی جلسات مختلف انجمن، ارائه دادند (انجمن، س ۱، ش ۴۲، ۱۳۲۴: ۴). قاسم خان امیر تومان، که یکی از اعضای انجمن ایالتی بود، نظامنامه‌ای را در خصوص ترتیبات و تنظیمات بلدیه تهیه و ارائه نمود (همان، ش ۵۳، ۱۳۲۵: ۳)؛ که بلدیه‌ی تبریز، ابتدا بر اساس همین نظامنامه شکل گرفت.

منابع موجود در خصوص تاریخ دقیق تأسیس بلدیه‌ی تبریز اطلاعات چندانی به دست نمی‌دهند؛ ولی تأسیس آن باید به علل مختلفی چون عهده داری بسیاری از وظایف بلدیه توسط انجمن ایالتی و انجمن‌های محلات، دیر رسیدن قانون اساسی و مشخص نبودن حدود وظایف و منابع مالی مورد نیاز بلدیه و... کمی دیرتر از اداراتی چون عدلیه، معارف و... صورت گرفته باشد و تا مدت‌ها بلدیه طبق ساختار سنتی مدیریت شهری همچنان در دستان «بیگلریگی» و فراشان تحت امر او و در محلات هم زیر نظر کدخدای محلات و فراشان انجام می‌گرفته است. هر چند که انجمن بعدها در هنگام تأسیس اداره‌ی بلدیه تا حدودی بر همین ساختار سنتی مدیریت شهری صحنه گذاشت.

تأسیس دیر هنگام بلدیه باعث می‌شود تا روزنامه‌های محلی تبریز، بارها در شماره‌های مختلف خود اعتراضاتی نسبت به بی‌نظمی‌های شهر داشته باشند و درخواست سپردن امور شهر به بلدیه را بکنند. به عنوان مثال روزنامه‌ی عدالت در تاریخ ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۲۵ق. با چاپ لایحه‌ای ضعف‌ها و مضرات بیگلریگی گری تبریز و فواید آن را در صورت تبدیل شدن به یک اداره‌ی صحیح بر می‌شمارد (عدالت، س ۳، ش ۳، ۱۳۲۵: ۶-۵). و یا روزنامه‌ی «مجاهد» چاره‌ی اصلی فائق آمدن بر اوضاع نابسامان شهر را در تعیین بلدیه دیده و در ضرورت تأسیس آن چنین می‌نویسد: «... در حال حالیه بطور اهم و بدرجه الزم

در مملکت ما [آذربایجان] باید اقدام شود و بدون آن وطن ما در شرف هلاکت و پایمال شدن است...» این روزنامه در ادامه‌ی همین مطلب متذکر می‌شود که با وجود تذکرات مکرری که تا به حال در این زمینه داده شده، ولی به گوش اولیای دولت و وکلای ملت و معارفین شهر فرو نرفته (مجاهد، س ۱، ش ۲۵، ۱۳۲۵: ۲). درج چنین مطلبی در روزنامه‌ی مجاهد که ارگان مرکز غیبی محسوب می‌شد، نشانگر این واقعیت می‌باشد که احتمالاً تا این تاریخ اصلاً اداره‌ی بلدیه تأسیس نشده بود. زیرا در ادامه‌ی مطلب فوق حتی پیشنهاد داده شده که در صورت دایر کردن بلدیه از «... نیروهای مجاهدین که فعلاً مشغول خدمت هستند و شب و روز استراحت را بر وجود خودشان حرام کرده درصدد ترقی و حفظ مملکت هستند...» در تحت ریاست اشخاص کاردان وطن پرست بی غرض استفاده کرده و آنها را طبق مواجب صحیح و لباس زمستانی و تابستانی معین، مشغول خدمت و حفظ شهر و امنیت آن نمایند (همان).

وضعیت بد بهداشتی شهر و بروز برخی بی‌نظمی‌ها و رفتارهای غیر قانونی در شهر و گسترش نارضایتی شهروندان، سرانجام نمایندگان انجمن ایالتی تبریز را به واکنش واداشته و باعث می‌شود تا آنها ضمن انتقاد از سستی حکومت شاهزاده مقتدرالدوله، نایب الحکومه‌ی آذربایجان، که منجر به کناره‌گیری کدخدایان و فراشان از حفظ نظم و حراست محلات شد، او را متقاعد سازند تا انتظام امور بلدیه را از هر جهت بر عهده گیرد و تعهد کند که «... کدخدایان را مثل سابق مستولی نظم محلات...» کند حتی او تا زمان رسیدن فرمانفرما، والی جدید آذربایجان به شهر، پرداخت حقوق آنها را نیز بر عهده گرفت تا مثل سابق مشغول محافظت از نظم شهر باشند (انجمن، س ۱، ش ۳، ۱۱۹، ۱۳۲۵: ۳). ولی احتمالاً شاهزاده مقتدرالدوله در انتظام امور بلدیه ناکام بوده، چون به محض ورود فرمانفرما، والی جدید آذربایجان به تبریز، روزنامه‌ی انجمن طی مکتوبی تحت عنوان «حفظ الصحه» از او می‌خواهد که «... با نظر حکیمانه توجهی باجزاء وظایف حفظ الصحه و تنظیف شهر بفرمایند...» (همان، س ۱، ش ۱۳۲، ۱۳۲۵: ۲) درج چنین متنی در روزنامه‌ی انجمن که ارگان انجمن ایالتی آذربایجان محسوب می‌شد، آن هم در ابتدای ورود فرمانفرما به شهر، حکایت از وخامت اوضاع شهر به لحاظ بهداشت عمومی به علت عدم شکل‌گیری اداره بلدیه

طبق ضوابط و مقررات جدید، می‌کند.

به فاصله‌ی اندکی پس از انتشار این مطلب از سوی روزنامه‌ی انجمن، رفیع الدوله بیگلریگی تبریز، مشروح‌های مبتنی بر تنظیفات شهر، نوشته و جهت تصویب به انجمن ایالتی می‌فرستد تا در صورت تصویب از طرف بیگلریگی اقدام شود. این نظامنامه قواعد و مقرراتی را شامل می‌شد که اصناف مختلف شهری اعم از قصابان، حمامی‌ها، خبازها، بازاریان، اسلحه فروشان و حتی فراشان و نیم گرها در زمینه‌ی امور تنظیفات شهری، حق و حقوق شهروندان، قیمت اجناس، عدم رشوه‌گیری و ... بایستی رعایت می‌کردند (انجمن، س اول، ش ۱۴۶، ۱۳۲۵: ۴). احتمالاً باید تأسیس و شروع به کار اداره‌ی بلدی‌هی تبریز نیز، همزمان و یا کمی قبل از تصویب این نظامنامه صورت گرفته باشد.

یکی از مهمترین دغدغه‌های انجمن ایالتی تبریز تا قبل از رسیدن قانون اساسی، به ضابطه درآوردن امور شهر در قالب تشکیل ادارات جدید، و یا رفع مشکلات پیش پای ادارات جدید ال تأسیس و نظم و نسق دادن به امورات آنها، مخصوصاً تعیین منابع مالی این ادارات و تعیین مواجب کارکنان آنها، جهت جلوگیری از تکرار رسوم ایام استبداد از قبیل رشوه‌گیری و فشار بر مردم بوده است. پیگیری این مساله بالاخره در جلسه‌ی چهارشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۲۵ق. منجر به تصویب نخستین قرارداد مدیریت شهری در خصوص به ضابطه و نظم درآوردن بلدی‌هی تبریز و تعیین میزان مواجب فراشان اداره بلدی‌هی و محلات و حدود وظایف آنها در زمینه‌ی حفظ نظم و امنیت در شهر و جلوگیری از اقدامات غیر قانونی از قبیل رشوه‌خواری توسط آنها از سوی اعضای انجمن ایالتی گردید، و متن قرارداد جهت اجرا به ایالت جلیله ارسال شد (همان، س ۱، ش ۱۴۷، ۱۳۲۵: ۲). البته تصویب این قرارداد در انجمن ایالتی در زمانی صورت می‌گیرد که مجلس شورای ملی «قانون بلدی‌هی» را تصویب کرده، ولی احتمالاً هنوز به ایالات و از جمله ایالت آذربایجان ابلاغ نشده بود. سازماندهی و صورت بندی اداره‌ی بلدی‌هی تبریز، با تصویب این قرارداد در انجمن ایالتی و ارسال آن به والیگری جهت اجرا، شکل نهایی خود را یافت.

با توجه به متن قرارداد فوق، ساختار اداره‌ی بلدی‌هی تبریز از یک اداره‌ی مرکزی و ۱۱

محله تشکیل می‌شد. در راس اداره مرکزی بلدیه، بیگلربیگی قرار داشت که کنترل شهر و اداره‌ی بلدیه در اختیار او بود و یک نایب و ۱۴ فراش، تحت امر او قرار داشتند. محلات شهر نیز مثل سابق تحت ریاست کدخدا بودند. یک نفر نایب و تعدادی فراش هم که تعداد آنها بسته به وسعت و جمعیت محلات در قرارداد مشخص شده بود، تحت نظر کدخدای محله وظایف محوله را انجام می‌دادند (همان). کد خدا در واقع حلقه‌ی اتصال بین محلات و مقامات دولتی بود. از آنجایی که یکی از دغدغه‌های اعضای انجمن ایالتی، ترس از تکرار رسومات و عادات عصر استبداد از سوی فراشان، مخصوصاً در زمینه‌ی دریافت رشوه و عدم رعایت حقوق شهروندان و تعرض به مال و جان آنها و یا انجام برخی بی‌اخلاقی‌ها و بی‌حرمتی‌ها به اهالی شهر بود، به همین خاطر در این قرارداد جهت جلوگیری از تکرار چنین عاداتی تدابیری اندیشه شد. از جمله این که؛

۱- برای کنترل هر چه بیشتر عملکرد نایبان و فراش‌ها و ایجاد انگیزه و احساس مسئولیت آنها در قبال شهر و شهروندان؛ آنها پس از این، وارد جرگه‌ی نظام شده و جزو کارکنان دولتی محسوب می‌شدند.

۲- تعیین دقیق مبلغ دستمزد و حقوق آنها در حدی که آنها را از دریافت رشوه بی‌نیاز گرداند.

۳- تأکید بر حقوق شهروندان و منع فراشان از بی‌احترامی نسبت به آنها حتی در صورت مقصر بودن فرد. به طوری که جلب فرد مقصر اعم از نظامی و یا شهروند عادی بایستی در کمال احترام، صورت می‌پذیرفت.

۴- مسئول بودن بلدیه در برابر انجمن ایالتی، بر خلاف دوره‌ی استبداد که بیگلربیگی و نایبان و فراشان نه در برابر مردم و نهادهای مردمی بلکه فقط در برابر حکمران و نهادهای و مقامات دولتی مسئول بودند.

۵- بالاخره مهمترین مورد؛ در نظر گرفتن مجازات برای فراشان خاطی و خلع و عزل ابدی آنها از خدمات دولتی (همان).

قرار دادن چنین بندها و شرایطی در قرارداد مذکور در واقع نشان دهنده‌ی نگرانی اعضای انجمن ایالتی از تکرار رفتارهای غلط گذشته از سوی فراشان و تلاش آنها برای جلوگیری از

تسلط دوباره‌ی این نیروها بر جان و مال مردم و ایجاد فضای ناامیدی در بین اهالی شهر نسبت به نظام مشروطه است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که، انجمن ایالتی تبریز در سازماندهی بلدیة تبریز به جای ایجاد نهاد جدید شهری، بر نظام شهری قدیم تکیه کرد (مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۰۹) و بر همان هویت محله‌ای شهر پای فشرد. به همین خاطر اداره امور بلدیة به صورت متمرکز و تحت کفالت یک نفر یعنی بیگلربیگی گذاشته شد. این امر در عمل مشکلاتی را در زمینه‌ی مدیریت شهری ایجاد کرد و از همان ابتدای کار زمینه‌های بروز برخی نارضایتی‌ها از نوع عملکرد خلاف قانون فراشان و ظلم و ستم و دستگیری و کتک کاری آدم‌های رفیع الدوله (مجاهد، س ۱، ش ۱۶، ۱۳۲۵: ۳)، بیگلربیگی سابق تبریز را موجب گردید. درج حکایاتی این چنینی در روزنامه‌ها (همان، ۲) نشان دهنده‌ی به واقعیت پیوستن نگرانی‌های اعضا انجمن ایالتی و نهادینه نشدن قانون و نهادهای قانونی برآمده از دل مشروطه است.

همانگونه که در بالا اشاره شد، نخستین قرارداد مدیریت شهری زمانی به تصویب اعضا انجمن ایالتی تبریز رسید که نمایندگان مجلس، «قانون بلدیة» را در ۵ فصل و ۱۰۸ ماده به تصویب رسانده بودند. طبق فصل دوم این قانون، مدیریت شهرها بر خلاف سابق به هیات بلدی واگذار شده بود. این هیات، از دو جزء انجمن بلدیة و اداره بلدیة و شعب جزء آن تشکیل می‌شد (صورت مذاکرات مجلس اول، ص ۶۹). بر اساس مواد ۱۰ و ۱۱ این قانون، «انجمن بلدیة» توسط انتخاب کنندگان و از طریق آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شد و تعداد اعضای آن با توجه به اندازه‌ی شهرها متغیر بود. به طوری که تعداد اعضا برای شهرهای کوچک ۱۶ نفر، شهرهای متوسط ۲۰ نفر و شهرهای بزرگ ۳۰ نفر در نظر گرفته شده بود که با توجه به وسعت و جمعیت شهر بین محلات تقسیم می‌شدند (همان). با ابلاغ این قانون به ایالات و ولایات، تبریز از جمله شهرهایی بود که برای اجرای این قانون و تشکیل «انجمن بلدیة»، در اوایل ذیحجه ۱۳۲۵ ق. به تشکیل انجمن نظار بلدیة جهت برگزاری انتخابات برای تعیین نمایندگان «انجمن بلدیة» اقدام می‌کند. انجمن نظار به محض تشکیل، اعلانی منتشر کرده و طی آن مدت و محل دریافت تعرفه و روز رای گیری را به مردم اعلام داشت (انجمن، س ۲، ش ۲۹، ۱۳۲۵: ۳).

طبق اعلان انجمن نظار بلدیه، انتخابات «انجمن بلدیه»، روز جمعه ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۵ ق. تعیین گردیده بود. هر چند که متأسفانه نه تنها روزنامه‌ی انجمن، بلکه دیگر روزنامه‌های محلی تبریز و حتی سایر منابع مربوطه نیز هیچ گونه اشاره‌ای به نحوه‌ی برگزاری و نتایج این انتخابات و یا تشکیل و عدم تشکیل «انجمن بلدیه» ی تبریز نمی‌کنند. این چنین سکوتی احتمالاً به علت تقارن تاریخ برگزاری انتخابات «انجمن بلدیه» با تحولات سیاسی تهران و طبعاً تأثیر پذیری آذربایجان و تحولات آن از این امر بوده است که، انتخابات «انجمن بلدیه» و نتایج آن نیز تحت الشعاع این جریانات قرار گرفته. به همین خاطر نتوانسته توجه روزنامه‌ها و افکار عمومی جامعه را به سمت و سوی خود سوق دهد. به هر حال پس از مشخص شدن نتیجه‌ی انتخابات، اعضای انجمن طبق قانون بلدیه، در اولین اقدام خود قاسم خان امیر تومان را به ریاست انجمن تعیین کردند و تحت مدیریت او مشغول انجام وظایف قانونی خود شدند.

بلدیه و نقش آن در بازسازی دوران مقاومت

طبق فصل اول «قانون بلدیه»، هدف اصلی از تأسیس بلدیه «حفظ منافع شهرها و ایفای حوائج اهالی شهرنشین...» (مشروح مذاکرات مجلس اول، ۶۹) یعنی سپردن کلیه‌ی امورات مربوط به شهر و شهرنشینان به این نهاد کاملاً مدنی عنوان شده بود. ولی با توجه به نقش فعال انجمن ایالتی در امر مدیریت شهری تبریز، رئیس و وکلای «انجمن بلدیه» ی این شهر، پس از انتخاب صلاح دیدند قبل از دست زدن به هر گونه اقدام مهمی در زمینه مدیریت شهری، ابتدا هماهنگی‌های لازم را با اعضا انجمن ایالتی به عمل آورند، تا هم بتوانند حمایت و پشتیبانی این نهاد پر نفوذ را به خصوص در زمینه‌ی خنثی نمودن کارشکنی‌های عوامل استبداد، به سوی خود جلب کنند و هم این که از تجربیات آنها در امر مدیریت شهری استفاده کنند، بنابراین در تاریخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۶ ق. در محل انجمن ایالتی حضور یافتند، و به بحث و مذاکره با اعضا انجمن ایالتی پرداختند. در این جلسه، قاسم خان امیر تومان، رئیس انجمن بلدیه، فراهم آوردن تنخواه جهت هزینه در امر بهبود وضعیت بهداشتی کوچه‌ها و ترتیب اقدام در زمینه‌ی برخی امور دیگر را منوط به تشکیل مجلس مشترک با حضور چند تن از اعضا انجمن ایالتی می‌دانست. در حالی که اعضای انجمن

ایالتی از همان ابتدای کار نشان دادند که استقلال انجمن بلدیة در انجام وظایف قانونی خود را به رسمیت می‌شناسند و به هیچ وجه قصد مداخله در امورات داخلی آن را ندارند. به طوری که حاجی امین‌التجار، یکی از اعضا انجمن ایالتی در پاسخ درخواست قاسم خان در خصوص تشکیل مجلس مشترک، چنین عنوان می‌کند؛ حالا که تعداد وکلای انجمن بلدیة تقریباً بالغ بر سی نفر شده اند، خودشان باید موافق قانون انجمن بلدیة اقدامات لازمه را انجام داده و «... ترتیب این مسائل را بدهند در صورتی که اقدامات آنها موافق صلاح مملکت شد، مسلماً از [طرف] انجمن ایالتی تصدیق خواهد شد...» (انجمن، س ۲، ش ۲۷ دوره دوم، ۱۳۲۶: ۲)

شروع به کار انجمن بلدیة تبریز، پیامدهای مثبت و خوبی را برای اهالی شهر به همراه داشته است. به طوری که روزنامه‌ی انجمن، پیامدهای آن را این‌گونه ارزیابی می‌کند: «بحمدالله، داخله شهر دارالسلطنه تا یک درجه امن و اعضاء انجمن بلدیة با ریاست قاسم خان امیر تومان، شروع بانجام امور موظفه نموده، عجاله محض رفاه حال ضعفا نرح مناسبی بارزاق از قبیل شیر و ماست و پنیر و گوشت داده و متدرجاً در صدد فراهم آوردن موجبات آسایش عامه و تنظیفات شهر هستند...» (همان، ۴) و در عین حال اظهار امیدواری می‌کند که با اقدامات بلدیة، هم قیمت نان و غله کاهش یابد و هم این که کیفیت نان بهتر شود (همان).

ولی با وقوع تحولات سیاسی در تهران و کودتای محمد علی شاه علیه مجلس و مشروطه و برقراری دوره‌ی جدیدی از خفقان و استبداد در کشور، تحولات تبریز و آذربایجان هم وارد مرحله‌ی جدید خود شد. بر خلاف اکثر شهرها، تبریز تسلیم استبداد محمد علی شاه نشد و برای بازگرداندن مشروطه و قانون اساسی و آزادی، به قیام در برابر استبداد برخاست. قیام تبریز و آغاز جنگ داخلی در این شهر بین مشروطه خواهان و وابستگان استبداد و نیروهای دولتی، تداوم کار ادارات جدید ال تأسیس شهر از جمله انجمن بلدیة را با وقفه‌ای جدی مواجه ساخت. اکثر منابع از تعطیلی ادارات مالیه، بلدیة، نظمیه، عدلیه و... در دوران مقاومت چهار ماهه‌ی تبریز خبر می‌دهند. این در حالی بود که به علت وارد آمدن خسارات جدی به تاسیسات شهر و ساختمان‌ها و کاروانسراها و تیمچه‌ها، دکاکین تجار و کسبه و

کارخانه‌های فرشبافی و اداره جات تلگراف و تلفن خانه و ... (همان، س ۳، ش ۱۸، ۱۳۲۶: ۲) و تعطیلی تجارت به عنوان رگ ها و شریان های حیاتی شهر به علت این جنگ، مردم در تامین مایحتاج خود، مخصوصا نان و غله در مضیقه قرار گرفته (همان، س ۳، ش ۱۵، ۱۳۲۶: ۲) و نیازشان به وجود اداراتی مثل بلدیه دوچندان شده بود.

با پیروزی مجاهدان تبریز بر نیروهای دولتی و انجمن اسلامی و بیرون راندن عوامل استبداد از شهر پس از چهار ماه مقاومت در رمضان ۱۳۲۶ ق / مهر ماه ۱۲۸۷ ش. مهمترین اولویت انجمن ایالتی برای انتظام امور از هم پاشیده‌ی شهر، برقراری دوباره‌ی ادارات عدلیه، بلدیه، معارف و نظمیه (ویجویه‌ای، ۱۳۸۶، ۷-۲۲۶)، این بار «از روی تشکیلات صحیح» (طاهر زاده بهزاد، ۱۳۶۳، ۴۴) بود که در جریان دوره‌ی مقاومت چهار ماهه به حالت تعطیلی در آمده بودند. اداره‌ی بلدیه، که وجود آن در شرایط آن روز تبریز بیش از هر اداره‌ی دیگری احساس می‌شد، تا از طریق بازسازی هر چه سریع تر خرابی‌های ناشی از جنگ، بتواند دوباره سر زندگی را به شهر و مردم آن باز گرداند، کما فی السابق در تحت ریاست قاسم خان امیر تومان کار خود را آغاز کرد و کم کم مشغول ایفای وظایف مربوط به خود گردید. انجمن در این زمینه از اداره‌ی بلدیه درخواست نمود که: «... در باب ترمیم مواقع لازمه شهر از بازار و غیره دست بکار شده و اقدامات عایده به اداره بلدیه را مجری دارند، که تا یک اندازه اسواق و بازار قابل سکنی گردیده و کم کم، مردم مشغول درست کردن حجره و دکان خود بوده پی کار و کسب خویش باشند.» (انجمن، س ۳، ش ۱۵، ۱۳۲۶: ۲) انتظار از بلدیه برای اصلاح خرابی‌های ناشی از جنگ، در دیگر روزنامه‌های محلی تبریز نیز منعکس شد، به طوری که روزنامه‌ی «ناله‌ی ملت» در شماره‌ی ۲۶ خود که به فاصله‌ی چند روز پس از شروع به کار «انجمن بلدیه» منتشر شد، ضمن شرح خرابی نزدیک به هزار باب دکان و مغازه و بازارچه‌های محلات در نقاط مختلف شهر بر اثر جنگ، و اقدام صاحبان مغازه‌ها به تعمیر و راه اندازی دوباره‌ی کسب و کار خود، به اعضای «انجمن بلدیه» متذکر می‌شود که بهتر است طی هماهنگی با صاحبان مغازه‌ها به منظور زیباسازی شهر، این مغازه‌ها و بازارچه‌ها را با نقشه‌های جدید بازسازی نمایند (ناله ملت، س ۱، ش ۲۶، ۱۳۲۶: ۲).

در حالی که اداره‌ی بلدیه، بلافاصله پس از پیروزی در جنگ چهار ماهه کار بازسازی

خرابی‌های ناشی از جنگ را آغاز کرده بود «انجمن بلدیه»، نیز از روز شنبه ۱۲ شوال ۱۳۲۶ ق. به ریاست قاسم خان امیر تومان و با عضویت نمایندگانی که در انتخابات قبل از شروع جنگ داخلی تبریز انتخاب شده بودند، به استثنای یکی دو نفر به موجب اخطار نامه‌ای از سوی قاسم خان که به فرد فرد اعضا فرستاده شد، رسماً منعقد شد و با جدیت تمام به انجام وظایف مقرر خود مشغول گردید (انجمن، س ۳، ش ۱۸، ۱۳۲۶: ۴). و به مانند دیگر نهادهای مدنی و انقلابی شهر در فرصت کوتاه به دست آمده‌ی پس از پیروزی در جنگ چهار ماهه تا شروع دوره‌ی دوم جنگ، تحت تأثیر روحیه‌ی مقاومت و جهاد گونه‌ای که در تک تک اهالی و کارکنان ادارات و مسئولین شهر شکل گرفته بود، توانست علی‌رغم موانع و کمبودهای زیاد، کارنامه‌ی درخشانی را از خود به یادگار گذارد. کسروی با تأیید این امر، در خصوص نحوه‌ی عملکرد بلدیه‌ی تبریز در یک چنین موقعیت بحرانی، چنین می‌نویسد: «... قاسم خان والی رئیس بلدیه با یک چابکی به آباد گردانیدن خرابی‌های ناشی از جنگ پرداخت و سنگرهایی که در میان شهر بر پا بود، همه را برچید، بازارها را در اندک زمانی به حال پیش بازگرداند.» (کسروی، الف، ۲۵۳۷: ج ۲، ۷۹۵).

در دوره‌ی کوتاه مدت دو ماهه‌ی بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ چهارماهه، ادارات بلدیه، عدلیه، معارف و... تحت مدیریت انجمن ایالتی، هر کدام خدمات ارزشمندی را در آن شرایط بحرانی شهر به شهروندان خود عرضه داشتند. روزنامه‌ی ناله ملت، در ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ ق. تقریباً در روزهای پایانی این دوره‌ی آرامش دو ماهه، اوضاع شهر را از همه‌جهدت، منظم توصیف کرده است (ناله ملت، س ۱، ش ۳۲، ۱۳۲۶: ۳). محمد باقر ویجویه‌ای و کسروی هم آرامش و نظم شهر در این دوره را می‌ستایند و از فراوانی نان و خواروبار مورد نیاز مردم و خوشی تبریزیان از هر جهت، خبر می‌دهند (ویجویه‌ای، ۱۳۸۶: ۲۲۷؛ کسروی، همان). هر چند که توصیف‌های این چنینی شاید کمی اغراق‌آمیز بوده باشد. ولی به هر حال خبر از واقعیتی می‌دهد که بر اثر در پیش گرفتن مدیریت صحیح نهادهای مدنی و انقلابی تبریز امکان پذیر شده بود. مدیریتی که جنبه‌ی مشارکتی داشت نه انحصاری و سعی داشت زمینه‌های مشارکت اجتماعی تمامی نیروهای توانمند را در امر بازسازی شهر فراهم آورد. ولی در لحظاتی که امیدها برای بهبود هر چه سریع‌تر اوضاع، رفته رفته اوج می‌گرفت،

توطئه‌ها و اقدامات استبدادیون و نیروهای دولتی، در به محاصره درآوردن دوباره‌ی شهر و تحمیل یک دوره جنگ طولانی مدت و سخت بر اهالی شهر، تمامی امیدها را به یاس مبدل ساخت.

با آغاز دوره‌ی دوم جنگ تبریز، بار دیگر مسالهی دفاع از شهر و قانون اساسی و مشروطه و آزادی در راس برنامه‌های مجاهدان و انجمن ایالتی و دیگر مدیران شهری قرار گرفت، و روزنامه‌ها و دیگر منابع این زمان نیز بیشتر توجه خود را به جزئیات جنگ‌ها و مصایب و سختی‌های مردم، مخصوصاً در چند ماه آخر محاصره‌ی شهر معطوف نمودند. به همین خاطر با وجود ادامه‌ی فعالیت اداره‌ی بلدیه در طول این مدت، این منابع اطلاعات چندانی از فعالیت آن به دست نمی‌دهند. ولی از اندک اشاراتی که در لابلای منابع، به فعالیت‌های انجمن بلدیه‌ی تبریز در این دوره از فعالیت خود شده است، می‌توان به اقدامات زیر اشاره کرد: ۱- تلاش در جهت تامین احتیاجات اولیه‌ی شهروندان، مخصوصاً غله و نان و جلوگیری از افزایش بیش از حد قیمت آنها. ۲- رسیدگی به نظیفات شهری ۳- شماره‌گذاری منازل مسکونی شهر ۴- انتشار هفته‌نامه‌ی بلدیه. و اقدامات دیگری که در مبحث بعد در مورد آنها بحث خواهد شد.

بلدیه‌ی تبریز پس از دوره مقاومت ۱۱ ماهه تا ۱۳۳۰ ق.

با کم فروغ شدن نقش انجمن ایالتی آذربایجان در تحولات سیاسی کشور و منطقه، پس از دوره‌ی ۱۱ ماهه‌ی مقاومت تبریز، بر اثر عللی چون؛ اشغال شهر توسط نیروهای روسی و نیز نوع رویکرد برخی از احزاب سیاسی و نمایندگان مجلس دوم شورای ملی نسبت به انجمن‌های ایالتی و ولایتی، پس از فتح تهران (آفاری، ۱۳۸۵: ۶۲) زمینه برای افزایش نقش اداره‌ی بلدیه‌ی تبریز در امر مدیریت شهری و به دست گرفتن وظایف قانونی اش بیشتر فراهم شد. و به عبارتی در دور دوم مشروطه، بلدیه‌ی تبریز خود را از زیر سایه‌ی انجمن ایالتی بیرون آورده و عهده دار وظایف قانونی خود در امر مدیریت امور شهری و حتی دست زدن به برخی اقدامات غیر قانونی در زمینه‌ی دریافت مالیات‌ها و تصرف خالصجات دولتی و مستغلات، و... شد (آرشیو اسناد ملی، ۱۳۷۰/۴۵۰). پر رنگ شدن حضور بلدیه‌ی

تبریز در صفحات روزنامه‌های محلی تبریز و پرداختن این روزنامه‌ها به عملکرد بلدیه و حتی افزایش انتقادات از این نهاد محلی، خود دلیل خوبی بر این مدعاست. بلدیه‌ی تبریز در این زمان با مشکلات بی شماری دست به گریبان بود. که در این جا سعی خواهیم کرد تا عملکرد آن را، در جهت حل این مسائل و مشکلات شهر، با مبنا قرار دادن اشارات پراکنده‌ی موجود در روزنامه‌های محلی تبریز مورد ارزیابی قرار دهیم:

۱- «ساختن و پاک نگهداشتن کوچه‌ها» یکی از وظایفی بود که طبق ماده‌ی دوم قانون بلدیه به عهده‌ی ادارات بلدیه قرار داده شده بود (مشروح مذاکرات مجلس اول، ۶۹). هر چند که بلدیه‌ی تبریز از همان ابتدای شکل‌گیری خود، یکی از برنامه‌های خود را شوسه و سنگفرش کردن کوچه‌های شهر قرار داده بود و در این زمینه نیز اقدامات مفیدی را آغاز کرده بود، ولی وسیع بودن دامنه‌ی کار و انتظارات بالای شهروندان از یکسو و مسائل و مشکلات دیگری چون: عدم وجود مهندسان شهرسازی، کمبود شدید منابع مالی مورد نیاز، نابسامانی اوضاع شهر جنگ زده‌ی تبریز و حتی به قول روزنامه‌ی تبریز ضعف مدیریت و عدم نظارت و انجام مراقبت‌های بعد از ساختن کوچه‌ها (تبریز، ش ۲۸، ۱۳۲۹: ۳-۲) از سوی دیگر، باعث شده بود تا طبق اشارات روزنامه‌های محلی از قبیل روزنامه‌ی «تبریز» و «شفق»، کوچه‌ها حتی پس از بازسازی به لحاظ بهداشتی و ساختاری، اوضاع نابسامانی پیدا کرده و زحمت اهالی و شهروندان و بعضاً اعتراضات آنان و انتقادات روزنامه‌ها حتی به زبانی طنز را موجب گردد (شفق، س ۱، ش ۱۲، ۱۳۲۸: ۲). برای نمونه روزنامه‌ی شفق در یکی از شماره‌های خود به ارزیابی عملکرد بلدیه در ارتباط با نظیف کوچه‌های شهر پرداخته و نتیجه‌ی تمامی اقدامات بلدیه در زمینه‌ی ساختن راه‌ها و کوچه‌ها را به هدر دادن پول به علت بدتر و کثیف تر شدن اوضاع کوچه‌ها پس از بازسازی آنها و شکل‌گیری اقیانوس‌هایی از گل و آب در شوارع و کوچه‌های تبریز دانسته است (همان، ش ۲۴، ۱۳۲۹: ۳).

البته با همه‌ی این انتقادات، بلدیه در زمینه‌ی نظیفات شهری و حفظ حقوق شهروندان، اقداماتی را انجام می‌دهد، که در مبحث بعدی به تفصیل در مورد آن سخن خواهیم گفت. منتهی مطلبی که در این انتقادات بیشتر جلب توجه می‌کند، فرا محله‌ای اندیشیدن نویسندگان این روزنامه‌ها و انتظارات فرامحله‌ای داشتن از بلدیه می باشد که خود نشان

دهنده‌ی تاثیر شکل‌گیری بلدیه و اقدامات آن در زمینه‌ی افزایش آگاهی شهروندان بر هویت شهری خویش است.^۱

۲- رسیدگی به امر تنظیفات شهری و حفظ حقوق شهروندی، از دیگر تکالیف عمده‌ای بود که طبق قانون بلدیه بر عهده‌ی بلدیه گذاشته شده بود. بلدیه‌ی تبریز، در این زمینه و نیز تنظیم مقرراتی برای رعایت هر چه بیشتر حقوق شهروندی، دست به اقدامات مفیدی می‌زند، که از جمله‌ی آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نظارت بر آب حمام‌های عمومی (تبریز، س ۱، ش ۲۵، ۱۳۲۹: ۳).

- رسیدگی به امور بهداشتی صنف قصابان (همان).

- ملزم ساختن کلیه‌ی اصناف و بازاریان به حفظ حقوق شهروندان و عابرین پیاده از طریق قرار ندادن اشیا و کالاهای خود در معابر عمومی و صدور اعلانی در این زمینه (همان؛ همان، ش ۳۴، ۱۳۲۹: ۴).

- تنظیم مقررات جامعی در زمینه‌ی تنظیم بازار که شامل وظایف «نظمیه‌ی بازار»، «بازار باشی»، «مفتشان بازار» و تمهیداتی در خصوص ارزان کردن ارزاق و فراوانی آنها برای آسایش اهالی و موارد دیگری از این قبیل می‌شد، و حتی تعیین یک نفر متصدی برای اجرای این مقررات (شفق، س ۲، ش ۴۰، ۱۳۲۹: ۴ و ۸).

۳- مبارزه با گران‌فروشی و احتکار مایحتاج مورد نیاز شهروندان، از سوی تجار و دلالان و ... از دیگر تکالیف مهمی بود که انجام آن طبق قانون بلدیه بر عهده‌ی ادارات بلدیه گذاشته شده بود. روزنامه‌ی مساوات تبریز در شماره‌ی ۲۹ خود، توصیه‌ای را در این زمینه به اداره‌ی بلدیه می‌کند، مبنی بر این که: «... اداره‌ی جلیله‌ی بلدیه در کلیه امورات محولۀ قانونی خود، خصوصاً ترتیب نرخ اجناس شهر و آذوقه که محل توجه اغلب ناس و پریشان‌کنندۀ حواس اکثر اهالی است، مراقبت لازمه نموده که باعث پریشانی حواس اولیای امور نشود ...» (مساوات تبریز، س ۱، ش ۲۹، ۱۳۲۷: ۵)

۱ - در این خصوص رک: روزنامه‌های محلی تبریز، از قبیل شفق شماره‌های ۱۲ و ۲۳، س اول؛ روزنامه تبریز، شماره‌های ۱۹ و ۲۸، س اول.

همان گونه که در مقررات مربوط به بازار اشاره شد، بند پنجم آن مربوط بود به توجه بلدی به مساله‌ی ارزانی ارزاق مورد نیاز مردم، که مراقبت در این زمینه به بازار باشی سپرده شد تا برای حفظ آرامش و آسایش شهروندان، مانع از گرانی ارزاق مورد نیاز آنها شود (شفق، س ۲، ش ۴۰، ۱۳۲۹: ۴ و ۸). به غیر از این مورد، در روزنامه‌های محلی تبریز موارد متعددی نیز از برخورد اداره‌ی بلدی با گران فروشان، و مجازات آنها درج شده، از جمله در خصوص قیمت نمک خبازی و دباغی (تبریز، س ۱، ش ۲۶، ۱۳۲۹: ۳). همچنین اداره‌ی بلدی راجع به قیمت غله، محض ملاحظه‌ی حال عامه و خبازان، مقرر نمود که از قرار خرواری پانزده تومان و دو ریال به خباز غله داده شود. این قیمت پس از انجام مذاکراتی با انجمن ایالتی، از سوی این انجمن نیز تصویب شد (همان، ۲).

۴- از دیگر مسائل و مشکلات مهمی که بلدی‌های تبریز در این زمان با آن دست به گریبان بود، و طبق ماده‌ی دوم قانون بلدی‌پرداختن به آن، یعنی «مراقبت در عدم قحطی آذوقه‌ی شهر به وسائل ممکنه» (مشروح مذاکرات مجلس اول، ۶۲) بر دوش بلدی گذاشته شده بود، کمبود و گرانی و نامرغوبی نان و غله بود. بلدی‌ها در طول حیات خود سعی کرد با همکاری و هماهنگی انجمن ایالتی و والیگری ایالت آذربایجان و انجام مکاتبات پی در پی با آنها و نیز درگیر کردن وزارت داخله و مالیه، حتی صدور اعلانیه‌هایی برای مالکین، مباشرین و اجاره داران قنوات (تبریز، س ۱، ش ۲۸، ۱۳۲۹: ۴) از انجام این وظیفه‌ی سنگین خود برآید. برای نمونه بلدی‌ها در یکی از مکاتبات خود با والیگری، در خصوص لزوم انجام اقدامات فوری برای خریداری و ذخیره‌ی غله‌ی مورد نیاز شهر برای فصل زمستان، از والی درخواست می‌کند که هر چه سریعتر مامورین حمل غله روانه شوند تا برف نیامده غلات وارد گردد تا رفع بهانه‌ی انبارداران گردد، که دیگر نگویند به انبار مقروضیم، نخواهیم فروخت. از آنجایی که بلدی‌ها یک چنین درخواستی را طی مکاتبات پی در پی خود از ماه‌ها قبل از والی درخواست کرده بود، ولی احتمالاً تا ذیقعدہ‌ی ۱۳۲۹ ق. هنوز ترتیب اثری به این درخواست بلدی‌ها داده نشده بود، به همین خاطر در پایان این مکاتبه حتی به والی هشدار داده می‌شود که «... اگر علاج فوری نشود لابد انجمن عدم مسئولیت خود را به عموم باید اطلاع بدهد ...» (همان، س ۱، ش ۱۳، ۱۳۲۹: ۳) بالاخره پافشاری‌ها و مکاتبات مکرر اداره‌ی بلدی، نایب

الایاله‌ی آذربایجان را وادار به انجام مکاتباتی با وزارت داخله جهت دریافت کمک مالی برای خرید غله می‌کند و در نهایت وزارت مالیه نیز طی تلگرافی در ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۲۹ از پیشکار مالیه‌ی آذربایجان می‌خواهد که «لازم است از حالا برای کمک به خبازخانه شهر تبریز پیش بینی نموده و معادل بیست و پنج هزار خروار با مساعدت نایب الایاله آذربایجان جنس ... خریداری و در شهر ... ذخیره نمائید...» (آرشیو اسناد ملی، ۲۴۰/۴۵۱۷۰).

تداوم مشکل نان و غله، بلدیه را وادار می‌کند تا برای اطلاع افکار عمومی از اقدامات خود در زمینه‌ی تامین نان و غله‌ی مورد نیاز اهالی، و عدم هیچ گونه کوتاهی و مسامحه در این زمینه، گزارشی تهیه کند و آن را به دفتر روزنامه‌ی تبریز ارسال دارد (تبریز، ش ۹، ۱۳۲۹: ۶).

اما از آنجایی که حل این مشکل در گرو حل مسائل و مشکلات دیگری چون؛ مساله‌ی ناامنی و ناآرامی‌های داخلی، احتکار گندم توسط ملاکین و زمینداران و برخی تجار و اشراف وابسته به نظام کهن استبداد قاجاری، خشکسالی و وضعیت نامناسب راه‌های ارتباطی، کمبود منابع مالی برای خریداری غله‌ی مورد نیاز شهر و عواملی از این دست بود، هر گونه اقدام بلدیه در این زمینه نیز در گرو هماهنگی و همکاری همه‌ی عوامل دست اندرکار در حاکمیت آذربایجان، دولت مرکزی تهران و نمایندگان مجلس شورای ملی بود، که با وجود تمامی تلاش‌های انجام یافته توسط بلدیه، حداقل یک چنین هماهنگی و همکاری بین نهادهای حکومتی و مدنی در دوره‌ی مشروطه فراهم نگردید و مساله و مشکل نان هم در طول عمر فعالیت انجمن ایالتی و انجمن بلدیه‌ی تبریز، همچنان ادامه یافت و با بروز کوچک‌ترین تنش‌ی در منطقه و حتی کشور به مساله‌ی حادی در شهر تبدیل شد و باعث بروز مشکلاتی برای شهروندان و برخی اعتراضات از سوی آنان گردید. و اگر هم رفع مشکلی در این زمینه به عمل آمد، زود گذر و موقتی بود، نه دائمی.

۵- یکی از اقدامات مهمی که ادارات بلدیه و نظمی‌ه‌ی تبریز در راستای دور ساختن جامعه از هویت محله‌ای و تقویت هویت شهری انجام دادند، تقسیم شهر به دوایر مختلف و شماره‌گذاری بر درب خانه‌های اهالی شهر بود. بدین گونه که وقتی در سال ۱۳۲۸ ق. اداره‌ی

نظمیه، شهر تبریز را به ۱۶ دایره تقسیم کرد، بلدیهای تبریز نیز دایره به دایره بر درب خانه‌های اهالی شهر شماره نصب نمود. در سال ۱۳۲۹ ق. که تقسیمات اداره‌ی نظمیه تغییر یافت و شهر به ۱۰ دایره تقسیم شد، لازم شد اداره‌ی بلدییه هم شماره‌ی خانه‌ها را طبق دوایر جدید تغییر دهد، و با توجه به این که شماره گذاری اولیه، دارای اشکالاتی بود، این امر فرصتی به دست داد تا نحوه‌ی شماره گذاری هم اصلاح گردد. در شماره گذاری اولیه، به جای شماره گذاری خانه‌های هر کوچه به طور جداگانه، خانه‌ها به طور پیوسته از ۱ تا ۲۰ و ۳۰ هزار شماره خورده بودند و همین امر باعث شده بود تا ارقام شماره‌ها به چهار و حتی پنج رقمی هم برسد، به طوری که خانه‌ی رئیس بلدییه شماره‌ی ۱۷۸۹۵ داشت (کاو، س ۲ دوره جدید، ش ۸، ۱۳۳۹: ۵). روزنامه‌ی تبریز هم در این زمان جهت رفع این مشکل، پیشنهاد می‌دهد که اداره‌ی بلدییه شماره‌های عریض و طویل را که گاه تا ۴۳۰۰ هم می‌رسید، برداشته و با بکارگیری افراد باسواد به ترتیب صحیحی کوچه به کوچه و گذر به گذر، شماره گذاری کند (تبریز، س ۱، ش ۲۸، ۱۳۲۹: ۱).

۶- مسأله‌ای که در قانون بلدییه بیشتر جلب توجه می‌کند و نشان دهنده‌ی توجه قانون‌گذار به شهرداری به عنوان نهادی فراتر از نهاد صرفاً خدماتی می‌باشد، وظیفه‌ی بلدییه در زمینه‌ی کمک به گسترش معارف و مساعدت در دایر نمودن کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها و موزه‌ها و حفظ و مرمت مساجد و مدارس و بناهای تاریخی می‌باشد (مشروح مذاکرات مجلس اول، ۶۲). بلدییه‌ی تبریز هم که مخصوصاً پس از سقوط استبداد صغیر محمد علی شاه، عملاً بخش اعظم مسئولیت‌های محوله بر اساس قانون را بر عهده گرفته بود، در کنار دیگر وظایف خود در امور خدماتی و رفاهی شهروندان، در امور فرهنگی و آموزشی جامعه نیز دست به اقدامات ارزشمندی می‌زند:

- تأسیس مدرسه‌ی ابتدایی برای بچه‌های یتیم و فقیر جامعه، با هدف رفع تکدی اهالی و کمک به گسترش معارف (تبریز، س ۱، ش ۳۹، ۱۳۲۹: ۴؛ شفق، س ۱، ش ۲۸، ۱۳۲۹: ۴).

- حمایت از نهادهای مدنی فعال در امر آموزش، مثل «جمعیت نشر معارف آذربایجان» (همان، س ۲، ش ۹، ۱۳۲۹: ۳).

- حمایت مالی از مدارسی که اقدام به ثبت نام رایگان دانش‌آموزان بی‌بضاعت کرده بودند، مخصوصاً در تأمین بخشی از هیزم مورد نیاز آنها در فصل زمستان (همان، ش ۳۹، ۱۳۲۹: ۴).

- انجمن بلدیة تبریز، در راستای ایفای مسئولیت فرهنگی و آموزشی خود، در سال ۱۳۲۷ ق. اقدام به انتشار روزنامه‌ی هفتگی به نام «بلدیه تبریز» به مدیریت احمد میرزا می‌کند. تا ضمن انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به شهر و اقدامات خود در آن و برقراری ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با شهروندان، در زمینه‌ی مهارت‌های زندگی اجتماعی و هویت شهری و حقوق و تکالیف شهروندی خود نیز آموزش‌های لازم را به آنها بدهد، و آنها را برای مشارکت در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی آماده و آگاه نماید.

۷- از دیگر اقداماتی که اداره‌ی بلدیه تبریز در این زمان، با وجود مشکلات مالی فراوان به انجام آن کمر همت می‌بندد، تعمیر و تسطیح راه آجی به تبریز با حدود ۳۰۰۰ متر طول و ۱۲ ذرع عرض، بود. تا هم بهانه به دست روس‌ها برای انجام اقدامات مداخله جویانه در آذربایجان داده نشود (آرشیو اسناد ملی، ۲۴۰/۴۵۲۶)، و هم این که با تسطیح و شوسه نمودن این گونه راه‌های ارتباطی زمینه‌های گسترش تجارت و ورود مایحتاج مورد نیاز شهر از جمله گندم را فراهم آورد.

بلدیه‌ی تبریز در دوره‌ی فعالیت خود، دست به فعالیت‌های ارجمند دیگری نیز از قبیل؛ تأسیس مریض‌خانه (تبریز، س ۱، ش ۳۵، ۱۳۲۹: ۴)، تعمیر سد رودخانه‌ی آجی (همان، ش ۲۵، ۱۳۲۹: ۴)، تشکیل هیئتی برای جمع‌آوری احتسابیه از اهل بازار (همان، ۳) و... می‌زند. تا این که آخرین ضربه به بلدیه‌ی تبریز، از جانب روس‌ها و عامل داخلی آنها یعنی صمد خان وارد آمد، که پس از تسلط بر شهر تبریز، نهادهای مدنی جدید از جمله بلدیه را برانداخت و رفیع الدوله را با لقب «امیر فیروز» به سمت بیگلربیگی شهر گماشت (کسروی، ب، ۲۵۳۷: ج ۱، ۳۹۸).

نتیجه

تأسیس بلدیۀ تبریز، به عنوان نهاد مدنی مسئول در امر مدیریت شهری، پس از انجمن ایالتی آذربایجان، گام مهم دیگری در سپردن امور شهری به دست نیروهای مردمی برخاسته از انقلاب مشروطه و افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان بود و به تبع آن ایجاد هویت شهری و شکل‌گیری علائق جمعی و کم‌رنگ کردن بحث محله‌گرایی محسوب می‌شد. به طوری که این نهاد مدنی توانست در طول حیات خود با انجام اقدامات مهمی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و خدماتی و ... - که به برخی از آنها در مبحث اقدامات بلدیۀ اشاره شد - گام‌های مؤثری در جهت تحقق اهداف مدنی و مشارکتی کردن امور مربوط به مدیریت شهری بردارد. و هر چند که به علت درگیر شدن تبریز در مسائل سیاسی و ایستادگی ۱۱ ماهه در برابر نیروهای استبداد و موانع و مشکلات دیگری چون:

- ۱- قوی بودن جبهه‌ی استبداد در آذربایجان و توطئه‌ها و کارشکنی‌های متعدد در برابر نهادهای مدنی جدید با هدف بدبین کردن مردم نسبت به آنها و تضعیف جایگاه مردمی این نهادها.
- ۲- اشغال نظامی شهر در پایان دوره‌ی مقاومت تبریز از سوی روس‌ها و رقم خوردن تحولات دیگری به دست آنها از قبیل مسلط کردن صمدخان بر شهر و
- ۳- مشکل تامین مالی مورد نیاز بلدیۀ به علت عدم پرداخت آن از سوی دولت.
- ۴- جدی نگرفتن نقش انجمن بلدیۀ در مدیریت شهری از سوی سایر نهادها و سازمان‌های موجود در شهر، مخصوصاً حاکمان ایالات و عدم حمایت و پشتیبانی کردن از بلدیۀ جهت اجرای برنامه و اهداف خود.
- ۵- نقش و جایگاه برتر انجمن ایالتی در امر مدیریت شهری تبریز.
- ۶- و بالاخره، مهمتر از همه فراهم نبودن زمینه‌های سیاسی اجتماعی در شهرهای ایران آن روز و نبود سابقه و زمینه‌ی تجربی به عنوان الگوی داخلی.

از دست یابی به جایگاه اصلی خود در امر مدیریت شهری و تحقق اهداف مدنی خود بازماند. منتهی نحوه‌ی بیان و طرح مطالب اجتماعی در روزنامه‌های محلی نشان می‌دهد که

بلدیه در کنار دیگر نهادهای مدنی برآمده از دل مشروطه از قبیل انجمن ایالتی، توانست با انجام برخی اقدامات اجتماعی و فرهنگی و تأکید بر اهمیت مشارکت اجتماعی مردم در برنامه‌های شهری و انتخاب مدیران خود، در گذر جامعه‌ی شهری تبریز از مرحله‌ی محله گرایی به شکل‌گیری هویت شهری نقش مهم و مؤثری را ایفا نماید.

منابع و مأخذ

اسناد

— سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۴۰/۴۵۱۷۰

روزنامه‌ها

— *انجمن*، س اول، ش ۴۲، ذیحجه ۱۳۲۴ق. / س اول، ش ۲۹، ذیحجه ۱۳۲۵ق. / س اول، ش ۵۳، ۲۸ محرم ۱۳۲۵ق. / س اول، ش ۱۱۹، ۷ رجب ۱۳۲۵ق. / س اول، ش ۱۳۲، ۳ شعبان ۱۳۲۵ق. / س اول، ش ۱۴۶، ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ق. / س اول، ش ۱۴۷، ۲۸ شعبان ۱۳۲۵ق. / س دوم، ش ۲۷ دوره دوم، ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶ق. / س سوم، ش ۱۵، سلخ رمضان ۱۳۲۶ق. / س سوم، ش ۱۸، ۱۰ شوال ۱۳۲۶ق.

— *تبریز*، س اول، ش ۹، ۱۶ محرم ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۱۳، ۱ صفر ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۲۵، ۲ ربیع الاول ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۲۶، ۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۲۸، ۹ ربیع الاول ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۳۴، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۳۵، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۳۹، ۵ ربیع الآخر ۱۳۲۹ق.

— *تسفق*، س اول، ش ۱۲، ۱۰ ذی حجه ۱۳۲۸ق. / س اول، ش ۲۴، ۵ ربیع الاول ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۲۸، ۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ق. / س اول، ش ۳۹، ۱۵ ذی الحجه ۱۳۲۹ق. / س دوم، ش ۹، ۱۵ شعبان ۱۳۲۹ق. / س دوم، ش ۴۰، ۱۸ ذی الحجه ۱۳۲۹ق.

— *عدالت*، س ۳، ش ۳، ۱۸ جمادی الاولى ۱۳۲۵ق.

— *کاوه*، س ۲ دوره جدید، ش ۸، غره ذی الحجه ۱۳۳۹ق.

— *مجاهد*، س اول، ش ۱۶، ۱۶ شوال ۱۳۲۵ق. / س اول، ش ۲۵، ۱۵ ذیقعه ۱۳۲۵ق.

— *مساوات تبریز*، س اول، ش ۲۹، غره صفر ۱۳۲۷ق.

— *ناله ملت*، س اول، ش ۲۶، ۱۸ شوال ۱۳۲۶ق. / س اول، ش ۳۲، ۲۲ ذیقعه ۱۳۲۶ق.

کتاب‌ها و مقالات

- آفاری، ژانت (۱۳۸۵)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، چ ۳، تهران: نشر بیستون.
- امیر خیزی، اسماعیل (۲۵۳۶)، *قیام آذربایجان و ستارخان*، چ دوم، تبریز: کتاب فروشی تهران.
- ایمانی جاجرمی، حسین و دیگران (۱۳۹۲)، *مدیریت شهری*، چ ۲ (مدیریت شهری در ایران)، تهران: انتشارات تیسرا.
- اشرف، احمد، «تحقیق در مسائل ایران: ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران - دوره اسلامی»، مطالعات جامعه شناسی، دوره قدیم، ش ۴، تابستان ۱۳۵۳، ص ۴۹-۷.
- آخوندی، احمد و دیگران، «آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۳ بهار ۱۳۸۷، ص ۱۳۵ تا ۱۵۶.
- بی‌نام، *تاریخچه شهرداری تبریز*، <http://wwwtabriz.ir>
- طاهر زاده بهزاد، کریم (۱۳۶۳)، *قیام آذربایجان در انقلاب مشروطه*، چ ۲، تهران: نشر اقبال.
- کسروی، احمد، (۲۵۳۷)، *تاریخ مشروطه ایران*، چ ۲، چ ۱۴، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- _____ (۲۵۳۷)، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، چ ۱، چ ۹، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، چ ۳، تهران: انتشارات علمی.
- *مشروح مذاکرات مجلس ملی دوره اول*، لوح فشرده، کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مختاری اصفهانی، رضا، «بلدیه و مشروطه خواهی»، انقلاب مشروطه‌ی ایران، ویراسته هوشنگ ۱. شهابی و ونسا مارتین، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: انتشارات پارسه، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰-۲۰۱.
- ویجویه‌ای، محمد باقر (۱۳۸۶)، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، چ اول، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۹)، *مجاهدان مشروطه*، چ ۲، تهران: نشر نی.